

## نگرشی

## بر نگارش های کلامی (۱)

نهج المسترشدين في اصول الدين  
علامة حلي و شروح آن

حمید عطائی نظری

استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

## ۱. درآمد

«نگرشی بر نگارش های کلامی» عنوان کلی مجموعه یادداشت هایی است سلسله وار، که به توفیق الهی در راستای تعریف و بازشناسی میراث کلامی اسلامی منتشر خواهد شد. در این گفتارها کوشش می شود متون کلامی مهم فرقه های مختلف اسلامی به ویژه مکتب شریف تشیع معرفی شود و ابعاد گونه گون آنها بررسی گردد. روشن است که شناسایی منابع و مآخذ کلامی و آشنایی با ویژگی های یکایک آنها، از مقدمات بسیار مهم هرگونه تحقیق کلامی است. بدون آگاهی جامع و دقیق از ثراوت متکلمان مسلمان، هر پژوهشی در باب اندیشه های عقیدتی آنها و تطوّر فکر کلامی اسلامی، ناقص و ناتمام و نارسا می ماند و از هویت و عمق علمی لازم بهره مند نخواهد بود. براین اساس اطلاع از مصادر کلامی و شناخت ویژگی های ساختاری و محتوایی هر یک از آنها و جایگاهی که در جغرافیای نگارش های کلامی دارند، در شمار بایسته های پژوهشی بسیار مهم عرصه تحقیقات و فعالیت های کلام پژوهانه قرار دارد.

یکی از مهم ترین شاخصه های تحقیق کلامی دقیق و عمیق آن است که محقق آن بیشینه منابع ممکن را در روند جستار خود بررسیده و از رجوع به هیچ نگاشته قابل اعتنایی در خصوص موضوع پژوهش فروگذار نکرده باشد. از ویژگی های شایان توجه اغلب تحقیقات مستشرقان برجسته، شناخت کامل و دقیقی است که از منابع تحقیق دارند و بهره جویی حداکثری از این منابع در فرایند پژوهش. خصلتی که ناشی از جدّیت و سخت کوشی آنها در امر پژوهش است و متأسفانه بر اثر شتابزدگی و کم همتی در پژوهشگران وطنی امروزی کمتر دیده می شود. به هر روی از آنجا که در نوشتارهای کلامی کنونی ما مقالاتی کتاب شناسانه از این دست که به معرفی نگاشته های کلامی و چند و چون آنها پرداخته باشد کمتر به چشم می خورد، راقم خواهد کوشید با نگارش این سلسله یادداشت ها در حدّ توان اندک خود گامی هرچند کوتاه در راستای هدف بلند بازشناسی میراث کلامی اسلامی بردارد.

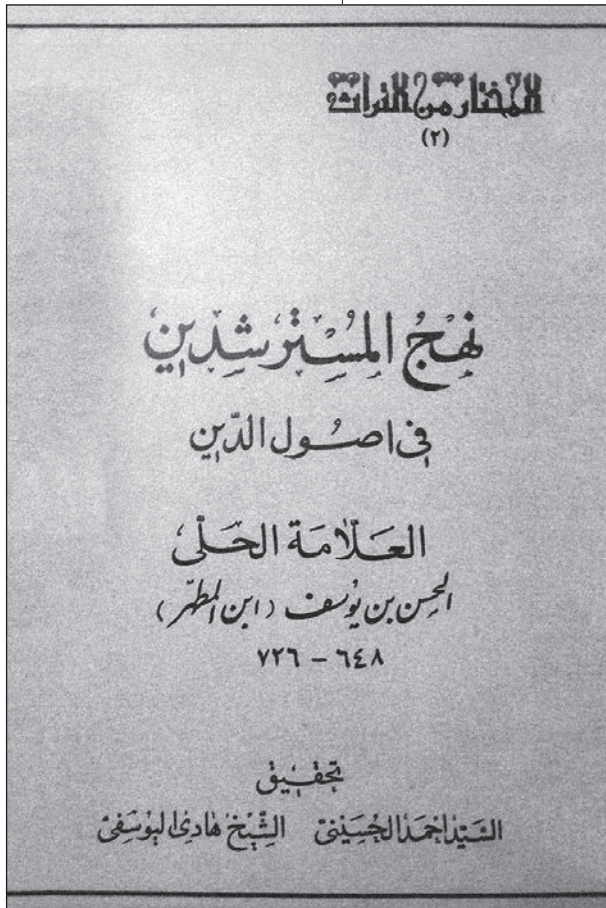
در این یادداشت ها تلاش می شود به قدر امکان آثار کلامی مهم و تأثیرگذار متکلمان مذاهب مختلف اسلامی، البته با در اولویت قرار دادن متکلمان و نگارش های کلامی شیعی معرفی گردد، از خصائص ساختاری و محتوایی آنها سخن گفته شود، جایگاه و اهمیت آنها در منظومه نگارش های کلامی تشریح گردد و دست آخرویراست یا ویراست های مختلف این آثار توصیف و ارزیابی شود. البته هدف نویسنده در این

چکیده:

«نگرشی بر نگارش های کلامی» عنوان کلی مجموعه یادداشت های سلسله واری است که در راستای تعریف و بازشناسی میراث کلامی اسلامی منتشر خواهد شد. نویسنده در این گفتارها می کوشد متون کلامی مهم فرقه های مختلف اسلامی بویژه مکتب تشیع را معرفی و ابعاد گونه گون آنها را بررسی نماید. وی همچنین از خصائص ساختاری و محتوایی متون سخن به میان آورده و جایگاه و اهمیت آنها را در منظومه نگارش های کلامی تشریح می کند. در نهایت، ویراست یا ویراست های مختلف این آثار را توصیف و در بوته نقد و ارزیابی قرار می دهد. نویسنده در نخستین نوشتار از سلسله نگارش های مذکور، کتاب نهج المسترشدين في اصول الدين علامه حلی و شروح نگاشته شده بر آن را مورد مذاقه قرار می دهد.

کلیدواژه ها:

نگارش های کلامی، کلام اسلامی، متون کلامی، کلام امامیه، علامه حلی، کلام شیعه، آثار کلامی، کتاب نهج المسترشدين في اصول الدين، معرفی کتاب.



مقالات ارائه‌گزارش و پژوهشی دقیق و جامع از ابعاد مختلف یکایک آثار کلامی نیست؛ چرا که پیگیری چنین هدفی مستلزم مطالعات و تحقیقات بلند مدت گروهی در خصوص آثار کلامی است. در اینجا غرض اصلی تنها عرضه اطلاعات کتابشناسانه مقدماتی است در باب نگاه‌های کلامی تا محققان عرصه کلام اسلامی و خصوصاً شیعی در حد ضرورت و به اجمال با میراث متکلمان مسلمان آشنا شوند و در تحقیقات خود با سهولت و بصیرت بیشتری نسبت به این منابع گام بردارند. در این نوشتارها افزون بر ارائه آگاهی‌های ابتدایی در باب ویژگی‌های ساختاری و محتوایی آثار کلامی، معرفی و ارزیابی ویراست یا ویراست‌های مختلف آنها به طور خاص مد نظر راقم این سطور قرار دارد. این توجه خاص از آن روست که پژوهشگر متون کلامی ناگزیر است چاپ‌ها و ویراست‌های مختلف متون را بشناسد و در جستارهای خود از بهترین ویراست‌های در دسترس آثار کلامی استفاده کند. رجوع به ویراست‌های مغلوط و ناستوار از نگاه‌های کلامی ممکن است موجب بروز خطا در فهم و برداشت محقق از آنها شود و از اتقان تحقیق وی بکاهد. چه بسیار متونی که به دلیل اهمال یا عدم تخصص مصحح آنها در امر تصحیح متن، به اندازه‌ای عیب‌ناک و ناقص چاپ شده‌اند که اساساً قابلیت ارجاع و استناد را ندارند و محقق باید به جای آنها به نسخ خطی آن آثار مراجعه کند. در ادامه این مقالات با نمونه‌هایی از این گونه ویراست‌ها آشنا خواهیم شد. بنابراین شناخت و تمییز چاپ‌ها و ویراست‌های معتبر از نامعتبر، یکی از مهارت‌های لازم برای کلام پژوهان بل هر محقق متن پژوه است. از این رو می‌گویم در این گفتارها به قدر توان، به امر سنجش و ارزیابی

تصحیح‌های مختلف آثار کلامی پردازم و چاپ برترها را از منظر خویش به خوانندگان معرفی و توصیه کنم. امیدوارم مصححان و ناشران محترم وطنی آثار کلامی تاب دآوری‌های ارزشگذارانه این کمترین را بیاورند و ستایش و نکوهش‌های او را از دستاوردها و ویراست‌هایشان برخاسته اغراض رفاقت یا رقابت نفرمایند و به نفرین یا حتی آفرین‌گویی براو برنیابند که الله من وراء القصد.

## ۲. نگاهی به جایگاه علامه حلی در کلام امامیه

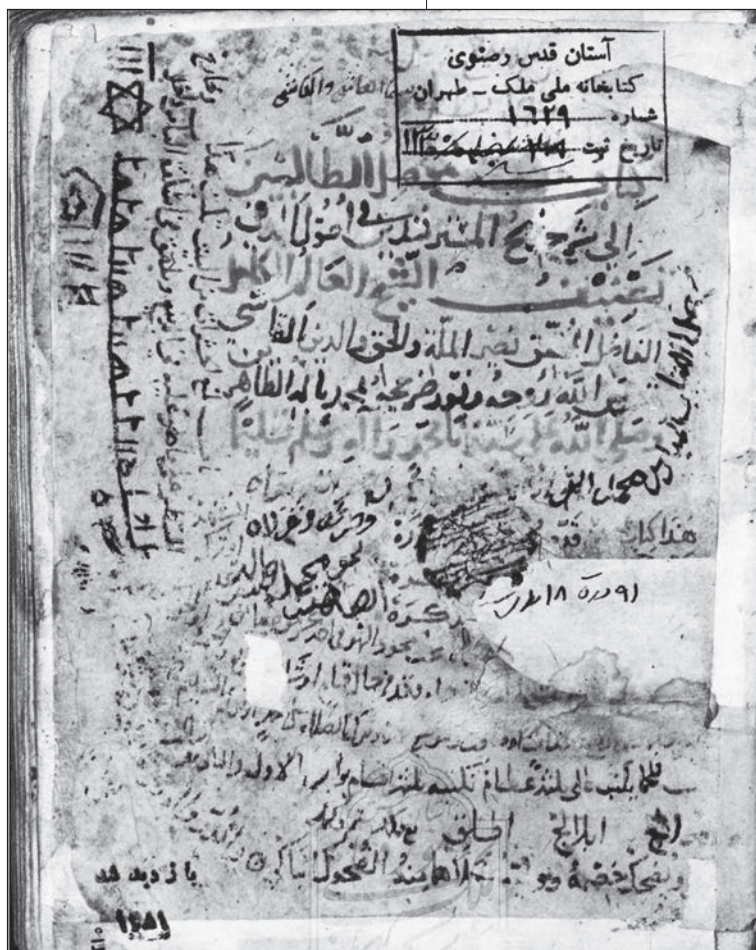
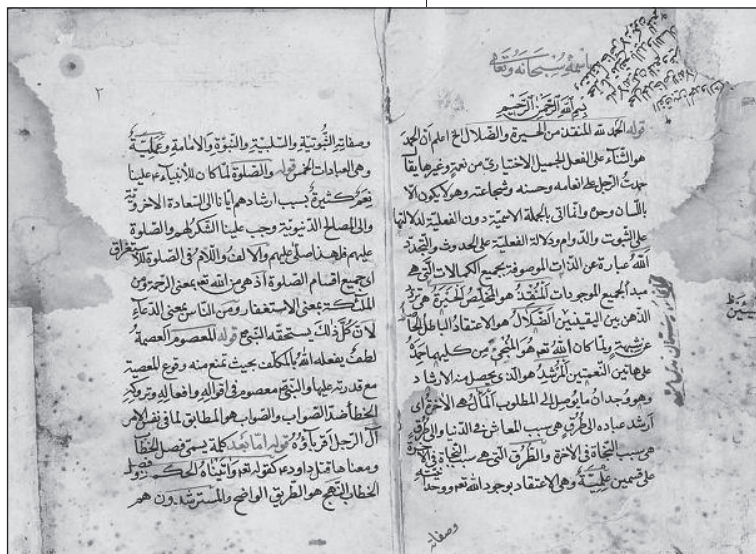
در خصوص شخصیت متکلمان علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ ق) و جایگاه او و آثارش در کلام شیعه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران آثار متعدد و گونه‌گون علامه را گواه مقام منبع وی در کلام شیعه دانسته‌اند و اعتقاد دارند بدون نگارش‌ها و شرح‌های وی بسیاری از متون و مباحث کلامی پیشینیان قابل فهم نمی‌بود. برخی دیگر علامه را به دلیل نگارش‌های تکراری گونه و نه چندان نوآورانه یا به دلیل تردیدها و تغییر دیدگاه‌هایش در خصوص پاره‌ای از مسائل کلامی مورد انتقاد قرار داده و او را دانشوری نه چندان متکلم یا متکلمی نه چندان تأثیرگذار معرفی کرده‌اند. راقم این سطور پیش از بررسی کامل آثار کلامی علامه در این باب اظهار نظر قطعی نخواهد کرد، اما این اندازه می‌تواند گفت که: میراث کلامی علامه حلی دست‌کم از حیث تشریح مسائل کلامی و تسهیل فهم آنها و همچنین انتقال آگاهی‌های سودمند کلامی بسیار ارزشمند و شایان توجه است. علامه حلی در بیان مسائل فلسفی و کلامی زبانی آسان و قلمی روان دارد و همین امر زمینه اقبال به آثار کلامی او را، به ویژه شروحاتی که بر متون موجز و دشواری همچون تجرید الاعتقاد نصیر الدین طوسی و الیافوت نگاشته فراهم کرده است. آثار مفصل علامه همچون نه‌ایه المرام و تا اندازه‌ای الأسرار الخفیة نیز از اطلاعات سودمند در خصوص مسائل مختلف علم کلام گرانبار است. بنابراین در مجموع میراث کلامی علامه حلی بخش قابل توجهی از ثرات کلامی امامیه در قرون

میانی را تشکیل می دهد که اگر آنها را از فهرست آثار کلامی آن دوره تشییع حذف کنیم، جز چند اثر معدود دیگر، ثراث کلامی قابل توجهی باقی نمی ماند تا ما را از فکر کلامی شیعه و تطوّر آن در دوره میانی باخبر سازد. همچنین برخی آثار علامه نظیر کشف المراد و باب حادی عشر و نهج المسترشدين از زمان نگارش تا کنون در زمره برنامه درسی کلام آموزان شیعی قرار داشته و به هر حال مبنا و واسطه آموزش کلام امامیه در حوزه های علمیه بوده است. همین اندازه به گمانم برای اثبات جایگاه و اهمیت علامه حلّی و آثار او در کلام شیعه بسنده است. در این خصوص به گاه معرّفی آثار کلامی علامه بیشتر سخن خواهیم گفت.

### ۳. نهج المسترشدين في اصول الدين

نهج المسترشدين في اصول الدين از جمله آثار کم برگ، اما پربار علامه حلّی (م ۷۲۶ ق) متکلم برجسته مکتب حلّه به شمار می آید. علامه این اثر را به درخواست پسرش فخر المحققین نوشته و در ۲۲ ربیع الأول سال ۶۹۹ هجری آن را به انجام رسانده است.<sup>۱</sup>

این کتاب یک بار در سال ۱۳۰۳ هجری قمری در بمبئی هند همراه با إرشاد الطالبین به صورت سنگی منتشر شد. پس از آن سید احمد حسینی و شیخ هادی یوسفی ویراستی از نهج المسترشدين را در ۶۸ صفحه و زیری توسط مجمع ذخائر اسلامی قم به چاپ رساندند. ویراست نامبردگان از نهج المسترشدين تنها بر اساس دو نسخه این اثر محفوظ در کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی به شماره ۴/۳ (کتابت در تاریخ ۷۰۵ ق) و ۱۴۶۷/۶ (کتابت در تاریخ ۱۱۰۶ ق) صورت گرفته است. این در حالی است که با توجه به اقبال گسترده عالمان شیعی به این اثر نسخه های متعددی از آن بر جا مانده است که برخی از آنها همچون نسخه شماره ۹۵۵ کتابخانه آستان قدس رضوی در زمان خود علامه کتابت شده (مورّخ ۷۰۲ ق) و شایسته بود که در تصحیح این رساله مدّ نظر قرار می گرفت. در فهرست فنخا



۹۴ دست نوشت از نهج المسترشدين معرّفی شده است.<sup>۲</sup> این رقم البتّه تنها شامل برخی از نسخه های فهرست شده نهج المسترشدين است و اگر به آن نسخه های فهرست نشده و همچنین نسخه های خارج از

۱. تاریخ یاد شده برای اتمام تألیف نهج المسترشدين بر اساس گواهی کتاب دست نوشته از این رساله است (نسخه شماره ۶۸۹/۱ مرکز احیاء میراث اسلامی کتابت شده در تاریخ ۷۲۲ هجری قمری) که آقای بزرگ تهرانی آن را در الذریعة گزارش کرده است. نگرید: الذریعة، ج ۲۴، ص ۴۲۴. بر این اساس تاریخ ۱۲ ربیع الأول که در فهرست فنخا (ج ۳، ص ۹۸۷) نقل شده ظاهراً اشتباه است و روز صحیح آن همان ۲۲ ربیع الأول است.  
۲. فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)؛ به کوشش مصطفی درایتی؛ تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳، ج ۳۳، ص ۹۸۷ - ۹۹۳.

مع قومه بنه طیها و ابلیس علیهم السلام معصوم فخر الوداعه و تروك اللفظ  
 ضد الصواب و العصبان به الطابق لما فرقیه لایزاله و لا یجد  
 اقربا و یاسا ید فکبر نسی فیض اللفظ و معناه ما عینما  
 تقدم من جدا لله تعالی الصلح علی بنی و لاله و اولاد من کلیم  
 به الطریق علی سلم و قبل او و علی السیاق لعل تعالی فی بیانها و الحکر  
 و یضد کتبا به اللفظ هو الطریق الی الوجود المسترشدين هم  
 الطریقون و لکن اذا اذالوا اللفظ لاصول جمع اصل وهو  
 ما یفرع علی فرع الفیض هو حذف الزوائد و لا یباید بالقرآن  
 الباری هو ما یوقف علیه السیاق لعل تعالی بر نیفیع الله ان  
 الفعل الماضی اذا وقع فی غیر الدعاء اذ لا استعجاب و لکن  
 فی اللفظ الی غیره اعتمادا الشئ بانک داع اعتقاد به ان لا یكون  
 الا کما اعتقاد مطابقا لما فی غیره لکن الزوال فیما یفید  
 الاول یخرج الظن و بالثانی لیس اللفظ و بالثالث اعتقاد  
 المذهب الحق و بالاربع المذهب المظالم و بالخمیس المذهب المکرم التوفیق  
 عبارة عن وجود اللفظ و انشاء اللفظ المعانی هو وجود الشئ  
 علی تم ما یكون علیه و بالسادس لعل تعالی یقیم المعلومات الی المعلم  
 وهو الصورة الحاصلة فی العقل و بالسادس ان یكون موجودا  
 للحاج الا ان کان اللفظ الی الوجود و ان کان العین و الحقیقه  
 و المعنی و ان کان اللفظ الی الوجود و المعنی و الحقیقه  
 فمشرع ذلك ضروری ان یخصر الشئ بزمان یكون و بین  
 ان لا یكون من اولها و بالاربعین افعال انکاره و بالخمیس  
 بینما انشاء الوجود من شأخ المقترن فانهم یقولون ان هذا  
 واسطه بین الوجود و المعلوم و معرفه مذهبهم و معرفه علی  
 تقدیر معتدته و حوان الفیض علی تم یعقل بالقیاس  
 الزیاده کله هم متلذذان معناه و هو الوجود القیام بذاته

بقره المومنین  
 قول المحدثه المتعین من الخیر ان المومنین المومنین  
 من یؤمنون بها و یحسانه و ان یحسانه و ان یحسانه و ان یحسانه  
 باللسان و حده و ان یحسانه و ان یحسانه و ان یحسانه و ان یحسانه  
 علی الشیء و الدوام و کلاهما الفعل علی الحدوث و الخیر و الله تعالی  
 عباده عن لذات المومنین المومنین المومنین المومنین  
 المتعین المومنین المومنین المومنین المومنین المومنین  
 اعتقادا بالباطل الحاصل عن شبهة و لما کان الله تعالی عن المومنین  
 کلها حده علیها یحسانه المومنین المومنین المومنین  
 منه اللفظ و یحسانه ما یوصل الی المطلوب المومنین المومنین  
 عباده الی طریق من سبب العاشق الی الدنیاء و طریق من سبب العاشق  
 فی الآخرة و طریق الی سبب العاشق فی الآخرة علی سبب علیة  
 کما اعتقاد المومنین المومنین المومنین المومنین  
 عباده الی طریق من سبب العاشق الی الدنیاء و طریق من سبب العاشق  
 فی الآخرة و طریق الی سبب العاشق فی الآخرة علی سبب علیة  
 و الصلوة لما کانت لا ینبأ علیهم اللفظ علیة سبب ان  
 ابان الی السعادة الآخرة الابدیة الی المصالح الدنیویة  
 علیها التکرم و الصلوة علیهم لهدای صول علیهم و الالف  
 و اللام فی الصلوة لا تستغنی عن جمع اقسام الصلوة اذ هی  
 من الله تعالی عن العجز و من الملاذک یمنی الی استغفار و ان  
 اناس یمنی الی المعانی کل ذلك یفیده الشئ علی المومنین  
 العیبه لطف یفعل الله بالکل من یحیی من یمنع منه و وقع المعصية

الدین

ایران را هم بیفزاییم،<sup>۳</sup> آن‌گاه میزان پر نسخه بودن این اثر آشکارتر می‌گردد. با این حساب تصحیح آن بر اساس دو نسخه - که یکی از آن دو هم، متأخر و نه چندان معتبر است - طبعاً موجد تصحیح منتحی از این اثر نیست.

از حیث کار تصحیح نیز کار مصححان - شکرالله مساعیها - چندان فنی و اصولی نبوده و متن ارائه شده تقریباً فاقد هرگونه نسخه بدل است. می‌دانیم که ارائه نسخه بدل‌ها یکی از شروط لازم و نشانه‌های بارز یک تصحیح فنی و انتقادی است. گذشته از پاره‌ای اغلاط در ضبط کلمات (مثل ضبط «الاعراض» به جای صورت صحیح «الاعواض»<sup>۴</sup> و ضبط نادرست «استعمال» به جای «اشتمال»<sup>۵</sup> و ضبط غلط «الاجماع» به جای «للإجماع»<sup>۶</sup>) و برخی افتادگی‌ها (نظیر افتادگی کلمه «یتبع» در عبارت «أنه اذا فعل معصية فاما أن يتبع، و هو قبيح لا يقع التكليف به، و اما ان لا یتبعی فائده البعثة»<sup>۷</sup> که شکل کامل آن «و اما ان لا یتبعی فیتبعی فائده

البعثة» است) که در این تصحیح مشاهده می‌شود، ویراست‌یاد شده اشکالات اساسی ویرایشی از حیث به کارگیری نشانه‌های ویرایشی و عدم رعایت فاصله لازم بین کلمات در بسیاری از مواضع و همچنین تقطیع عبارات یا بند بندی آنها دارد. در خصوص مورد اخیر برای نمونه تنها به عبارت زیر اشاره می‌کنم:

والاشعرية أثبتوا معنى قائماً بذاته تعالی قديماً مغايراً للحروف والاصوات، تدل عليه العبارات.

وهو واحد، ليس بأمر ولا نهى ولا خبر ولا نداء، ويسمى «الكلام النفساني»<sup>۸</sup>.

در عبارت بالا قسمت «و هو واحد...» ادامه توصیف کلام نفسانی از دیدگاه اشاعره است و نمی‌بایست در پاراگراف مستقلی درج می‌شد، بلکه باید در ادامه همان عبارت قبلیش می‌آید.

از این‌گونه موارد در تصحیح یاد شده باز هم قابل مشاهده است.

به هر روی با توجه به نکات یاد شده تصحیح موجود از نهج المسترشدين ویراستی انتقادی و علمی به شمار نمی‌آید و ضروری است که این اثر ارزشمند بار دیگر بر اساس نسخه‌های کهن و پر شمار آن و نیز با لحاظ شروع مختلفی که بر آن نوشته شده است به نحو عالمانه و مدققانه تصحیح شود.

از لحاظ ساختاری نهج المسترشدين در ۱۳ «فصل» که هر فصل مشتمل بر چندین «بحث» است تدوین یافته. فصول این کتاب عبارتند از:

۳. برای آگاهی از برخی از دست‌نوشته‌های خارجی این اثر نگرید به: اشمیتکه، زابینه؛ اندیشه‌های کلامی علامه حلی؛ ترجمه احمد نمائی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲ - ۱۱۳ و معجم التراث الکلامی، ج ۵، ص ۴۲۹.

۴. نهج المسترشدين فی اصول الدین، ص ۵۶، س ۲.

۵. «إنما يجب اللطف اذا لم يشتمل على وجه قبيح، فلم لا يجوز استعمال الامامة على وجه قبيح لا يعلمونه؟». همان، ص ۶۲.

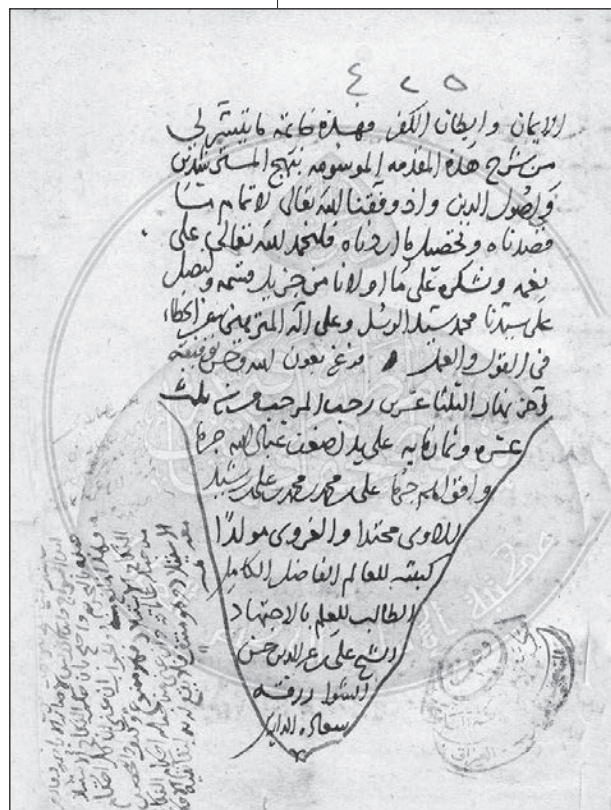
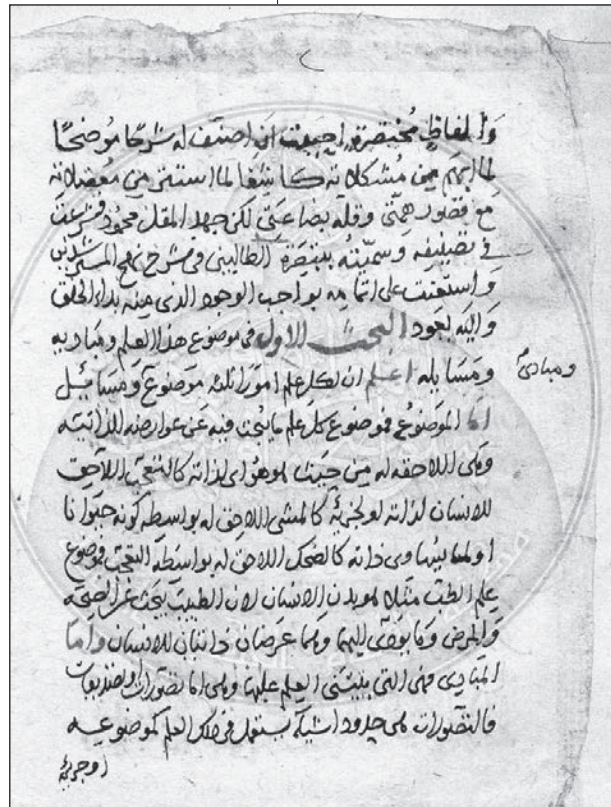
۶. «البحث الرابع: في امكان خلق عالم آخر؛ والخلاف مع الفلاسفة والدليل عليه انه لو امتنع لما وجد هذا العالم، لو جوب تساوي الامثال في الاحكام. و الإجماع و لقوله تعالی أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ». همان، ص ۷۷، س ۶.

۷. همان، ص ۵۸، س آخر.

۸. همان، ص ۴۱.

۱. تقسیم معلومات ۲. اقسام ممکنات ۳. احکام معلومات ۴. احکام موجودات ۵. اثبات واجب الوجود و صفات او ۶. احکام صفات واجب الوجود ۷. در باب اموری که بر خداوند محال است ۸. عدل ۹. فروع عدل ۱۰. نبوت ۱۱. امامت ۱۲. امر به معروف و نهی از منکر ۱۳. معاد.

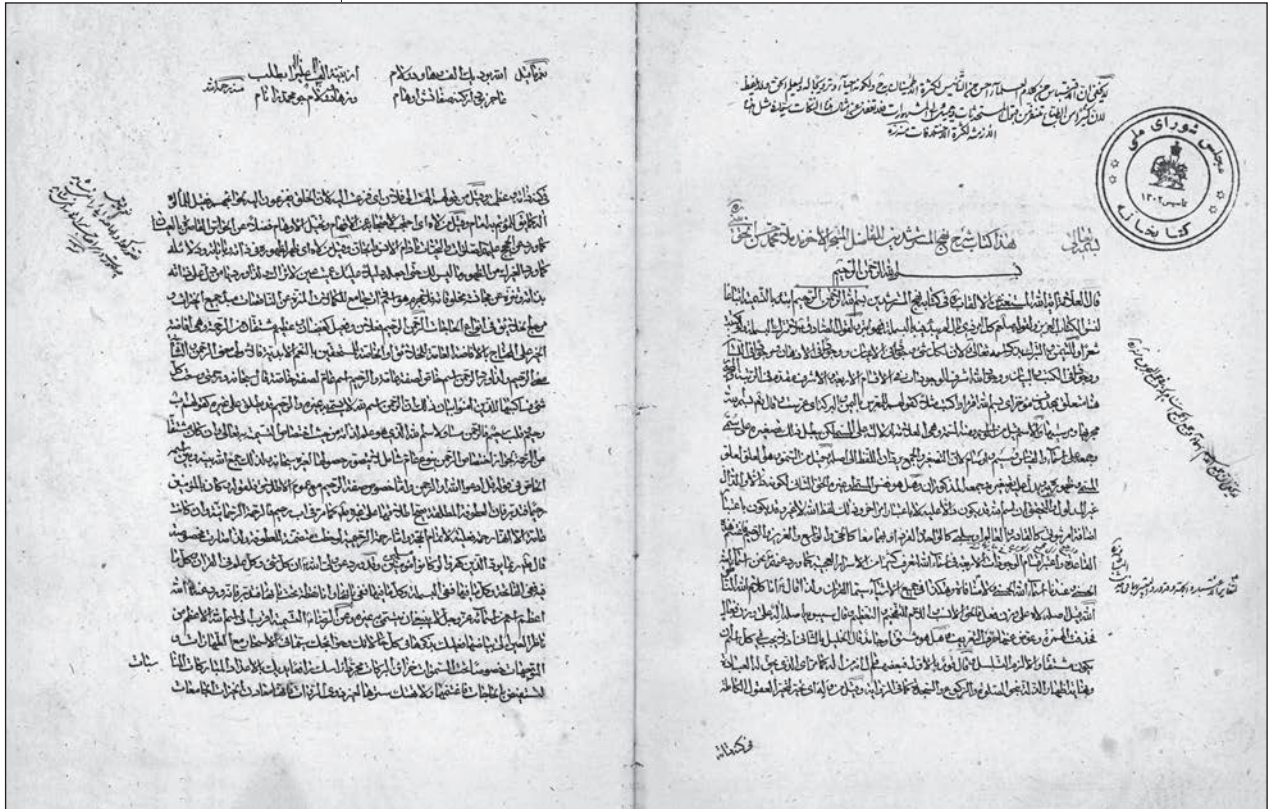
در کارنامه نگارشی علامه آثار کلامی متعدد و متنوعی قرار دارد که از حیث اجمال و تفصیل و عمق و فایده و اهمیت گوناگون اند و علامه هر یک را بنا به قصدی خاص به نگارش درآورده است. نهج‌المسترشدین علامه حلی چنان‌که خود وی از آن تعبیر به «مقدمه» کرده است،<sup>۹</sup> مقدمه و درآمدی بر علم کلام و از جمله آثار موجز وی در این علم به شمار می‌آید که به دلیل همین اختصار و همچنین جامعیت نسبت به مسائل کلامی مورد توجه عالمان شیعی عصر خود و پس از آن قرار گرفته و شرح مختلفی بر آن نوشته شده است. نهج‌المسترشدین از این حیث قابل مقایسه با باب حادی عشر علامه است؛ گویانکه از نظر درون‌مایه و نیز تعداد شروع و شهرت قابل قیاس با باب حادی عشر نیست. در میان آثار مختصر کلامی علامه هیچ اثری از حیث مقبولیت و معروفیت به پایه باب حادی عشر نمی‌رسد. نهج‌المسترشدین اگرچه به تصریح فاضل مقداد مورد توجه دانشوران امامی بوده است و طیف وسیعی از طالبان علم کلام بدان اشتغال داشته‌اند،<sup>۱۰</sup> هرگز نه به میزان باب حادی عشر به عنوان متن درسی در حوزه‌های علمی شیعی رواج پیدا کرد و نه به اندازه آن مورد عنایت و شرح متکلمان پسینی قرار گرفت. طبعاً تفاوت در ساختار و محتوای این دو اثر و اساساً اغراض متفاوتی که علامه از نگارش هر یک از آنها دنبال می‌کرده است، در دگرسانی میان آن دو رساله مختصر تأثیر بسیار داشته است. علامه باب حادی عشر را اثری مجمل برای مخاطبین عام می‌انگاشت و نهج‌المسترشدین را به مثابت تألیفی موجز برای طالبان علم نگاشت. عبارات علامه در این خصوص خود گویای این مطلب است. عنوان کامل رساله باب حادی عشر، «الباب الحادی عشر فیما یجب علی عامة المکلفین من معرفة اصول الدین» است که نشان می‌دهد علامه در این رساله به بیان اصول دینی که آموختنش بر همه مکلفان بایسته است پرداخته و در ابتدای آن هم تصریح کرده که مطالبی که در این باب ذکر می‌کند، عبارت از کمترین مرتبه از معرفت دینی است که هیچ مسلمانانی نباید فاقد آن باشد، به طوری که اگر چیزی از مطالب آن را نداند از حلقه مؤمنان خارج و مستحق عذاب دائم می‌شود.<sup>۱۱</sup> بنابراین مخاطب علامه در باب حادی عشر عموم مکلفین و محتوای مورد نظر او هم اصول کلی دین یا به تعبیری «اقل ما یجب الاعتقاد به» بوده است. اما در نهج‌المسترشدین مخاطب - یا به قول امروزیان «جامعه هدف» - علامه به تعبیر خود او: «طلاب الیقین



۹. نهج‌المسترشدین فی اصول الدین، ص ۸۵.

۱۰. «... حتی شغف بالاشتغال به معظم الطلاب، و عول علی تقریر مباحثه جماعة الاصحاب». فاضل مقداد، إرشاد الطالبین إلی نهج‌المسترشدین، ص ۴.

۱۱. «فلا یبذل من ذکر ما لا یمكن جهله علی أحد من المسلمین، و من جهل شیئاً منه خرج عن رتبة المؤمنین و استحق العقاب الدائم». (منهاج الصلاح: تحقیق: عبدالحمید میردامادی؛ قم: مکتبه العلامه المجلسی، ۱۴۳۰، ص ۵۲۱).



جویندگان یقین» و مطالب مدّ نظرش هم خلاصهٔ قواعد کلامی و سرفصل‌های مطالب اعتقادی بوده است.<sup>۱۲</sup> خلاصه آنکه نهج‌المسیر تشدیدین کتابی موجز و تخصصی، ولی باب حادی عشر رساله‌ای مختصر و در عین حال ساده و عمومی است.

علامه در نهج‌المسیر تشدیدین سعی کرده در هر مبحث لبّ مطالب را بیان کند و از تطویل بپرهیزد. بر همین اساس وی از ذکر همه استدلال‌های مطرح در مباحث مختلف اجتناب نموده و تنها به بیان استدلال‌های برگزیده اکتفا کرده است. از این رو این متن برای تدریس و آموزش علم کلام در دوران میانی اسلامی مناسب و مورد اقبال کلام‌آموزان قرار گرفته است. درست به همین سبب است که علامه در پایان این رساله خاطر نشان کرده طالبان تفصیل مطالب باید به کتاب کبیرش، یعنی «نهایة المرام فی علم الکلام» و خواستاران اعتدال در طرح مسائل کلامی به سایر آثار او همچون «منتهی الوصول» و «مناهج‌الیقین» رجوع کنند.<sup>۱۳</sup> علامه در میان مباحث کتاب خوانندگان را برای آگاهی از اطلاعات افزون‌تر به برخی از آثار خود نظیر الاسرار الخفیه<sup>۱۴</sup> و نهایة المرام<sup>۱۵</sup> و مناهج‌الیقین<sup>۱۶</sup> نیز ارجاع داده است.

#### ۴. شرح‌های نگاشته شده بر نهج‌المسیر تشدیدین فی اصول الدّین

چنان‌که گفته شد نهج‌المسیر تشدیدین پس از نگارش از شهرت خوبی در میان دانشوران شیعی برخوردار گشت و مورد اقبال آنها قرار گرفت. شاهد آن، شروح مختلفی است که از زمان خود علامه تا همین دورهٔ معاصر بر این اثر نوشته شده.

مهم‌ترین این شروح عبارتند از:

۱۲. «فهلذا کتاب نهج‌المسیر تشدیدین فی اصول الدّین لخصت فیه مبادئ القواعد الکلامیه و رؤوس المطالب الاصولیه نفع الله تعالی به طلاب الیقین». (نهج‌المسیر تشدیدین فی اصول الدّین، ص ۱۷)
۱۳. نهج‌المسیر تشدیدین فی اصول الدّین، ص ۸۵.
۱۴. همان، ص ۲۲.
۱۵. همان، ص ۳۰، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۷۰، ۷۴.
۱۶. همان، ص ۴۳، ۷۴.

۱. تذکرة الواصلين في شرح نهج المسترشدين تأليف سيد نظام الدين عبد الحميد بن مجد الدين أعرجي حُسَينِي، خاتمه یافته در جمادى الآخرة سال ۷۰۳ هجری. این شرح با تحقیق جناب آقای طاهر السّلامی از سوی مرکز اسلامی للدراسات الاستراتيجية وابسته به عتبه مقدسه عباسیه کربلا در سال ۱۴۳۶ هجری قمری منتشر شده است و درباره آن - إن شاء الله - در شماره بعدی این سلسله مقالات به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۲. تبصرة الطالبین فی شرح نهج المسترشدين نگاشته سید عمیدالدین عبدالمطلب بن محمد (مجد الدین) عمیدی أعرجی حُسَينِي (م ۷۵۴ ق)، معروف به عمید الدین بن أعرج.

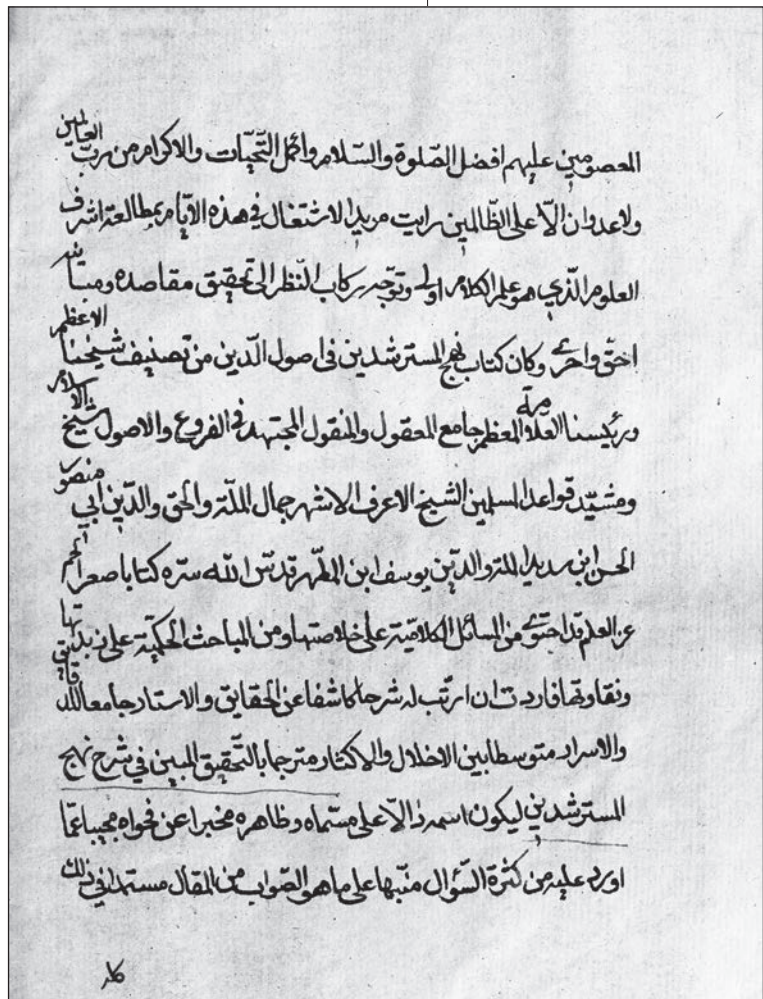
این شرح که به سبک قال - أقول نوشته شده تاکنون منتشر نشده است،<sup>۱۷</sup> ولی نسخه‌ای از آن که در روز سه شنبه بیستم رجب المرجب سال ۸۱۳ هجری کتابت شده در کتابخانه آیت الله حکیم نجف اشرف (ش ۵) موجود است. از عبارات دعایی شرح پیدا است که در زمان حیات علامه حلی (م ۷۲۶ ق) نوشته شده و بر این اساس باید حد اکثر تا پیش از ۷۲۶ هجری تألیف شده باشد. در کناره‌های برخی از برگ‌های نسخه حواشی نسبتاً قابل توجهی وجود دارد که باید دید از چه کسی است.

۳. معراج الیقین فی شرح نهج المسترشدين فی اصول الدین اثر محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلی (م ۷۷۱ ق) معروف به فخر المحققین فرزند علامه حلی که آن را در تاریخ ۶ ربیع الآخر سال ۷۱۵ هجری به پایان برده است. این شرح به تازگی با تصحیح آقای طاهر السّلامی از سوی مرکز اسلامی للدراسات الاستراتيجية وابسته به عتبه مقدسه عباسیه کربلا منتشر شده است. به توفیق الهی در یکی از مقالات بعدی این سلسله نوشتارها به معرفی آن خواهیم پرداخت.

۴. موصل الطالبین إلى شرح نهج المسترشدين نوشته نصیرالدین کاشانی (م ۷۵۵ ق). نصیرالدین کاشانی (قاشی) (م ۷۵۵ ق) متکلم امامی برجسته ساکن حله و استاد دانشورانی همچون سید حیدر آملی (م ۷۸۷ ق)، شمس‌الدین محمد بن صدقه حلی و ابن عتّاقی حلی

(م ۷۹۰ ق) بوده است. از تألیفات مهم کاشانی شرح او بر نهج المسترشدين است موسوم به موصل الطالبین. این اثر شرحی است تعلیق‌گونه که نویسنده در آن، در هر قسمت پس از ذکر کلمه یا عبارتی از متن نهج المسترشدين به توضیح و تشریح معانی و مطالب مربوط به آن پرداخته است.

شرح کاشی بر نهج المسترشدين تاکنون به طبع نرسیده است،<sup>۱۸</sup> ولی بر اساس اطلاعات در دسترس سه نسخه از آن موجود است.<sup>۱۹</sup>



۱۷. بنا بر شنیده‌ها گویا این شرح توسط برخی از محققان تصحیح شده و در آستانه نشر قرار دارد.

۱۸. این شرح به دست صدیق ارجمند آقای مصطفی احمدی در دست تحقیق و نشر است.

۱۹. از صدیق مکرم جناب آقای مصطفی احمدی که نسخه‌های این اثر و برخی دیگر از شرح نهج المسترشدين را در اختیار بنده قرار دادند کمال

نخست، نسخه‌ای کامل محفوظ در کتابخانه ملی ملک به شماره ۱۶۲۹ که در ششم ربیع الأول سال ۷۹۱ هجری کتابت شده است.

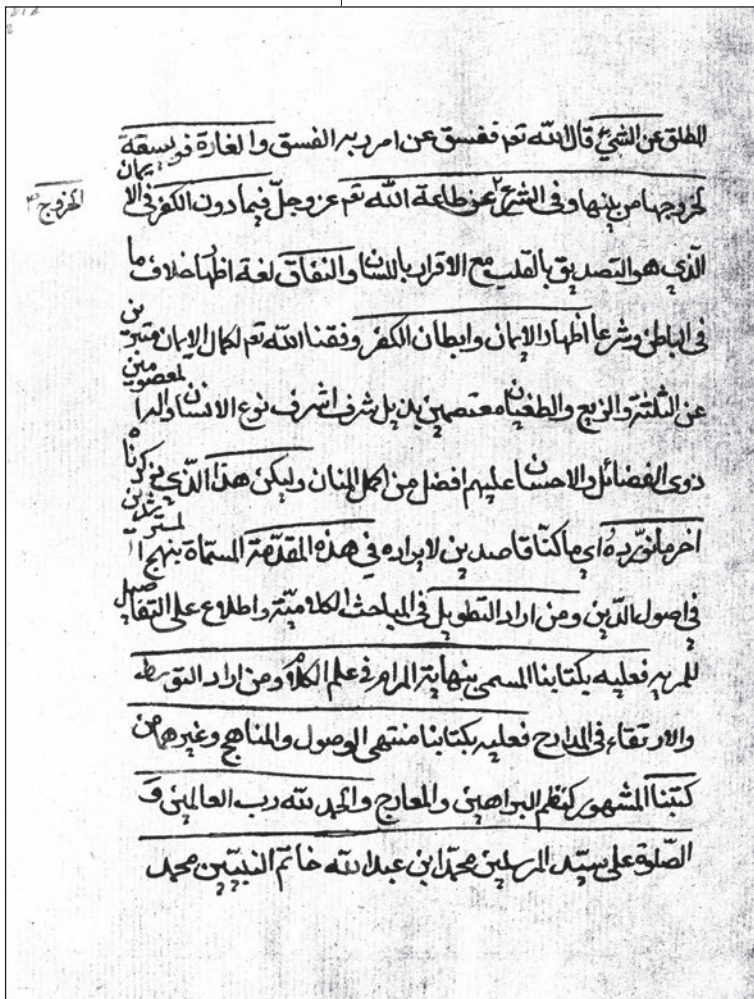
دو نسخه دیگر که هر دو در کتابخانه آستان قدس رضوی نگاه‌داری می‌شود: یکی به شماره ۱۴۶۶۲ (مکتوب در سال ۱۰۹۱ هجری، نسخه‌ای کامل) و دیگری به شماره ۶۵۳۶ (۸۶ برگ، کتابت شده در اواخر قرن ده تا اوایل قرن ۱۱ که چند برگ از آخر افتادگی دارد).

این دو نسخه رضوی در فهرست فن‌خانه عنوان شروخی ناشناخته بر نهج المسترشدين معرفی شده‌اند،<sup>۲۰</sup> ولی در واقع دست‌نویست‌هایی از موصل‌الطالبین هستند. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمالاً یکی از

همین دو نسخه را دیده بوده که در الذریعة به عنوانی شرحی بر نهج المسترشدين از نویسنده‌ای ناشناس معرفی کرده است.<sup>۲۱</sup> برخلاف حدس شیخ آقا بزرگ که این شرح را نوشته خود علامه حلی پنداشته است، با توجه به عبارات آغازین این نسخه معلوم می‌شود که متن مورد اشاره وی چیزی جز همان موصل‌الطالبین نصیرالدین کاشی نیست.

۵. ارشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين تألیف جمال الدین مقداد بن عبدالله سُیوری حلی (م ۸۲۶ ق)، به انجام رسیده در ۲۱ شعبان ۷۹۲ هجری قمری. این شرح سال‌ها پیش به تحقیق آقای سید مهدی رجائی منتشر شده است، ولی هنوز نیازمند تصحیح انتقادی جدی‌تازه‌ای است.<sup>۲۲</sup> در ادامه این سلسله مقالات ان شاء الله به تفصیل از این شرح و سایر آثار کلامی فاضل مقداد سخن خواهیم گفت.

۶. التحقيق المبين في شرح نهج المسترشدين في أصول الدين تألیف نجم‌الدین خضربن شیخ شمس‌الدین محمد بن علی رازی حبلرودی (م حدود ۸۵۰ ق)، صاحب آثار کلامی متعدد از جمله التوضیح الأثور بالحجج الواردة لدفع شبه الأعور<sup>۲۳</sup> و شرحی مبسوط برباب حادی عشر به نام جامع الدرر فی شرح الباب الحادی عشر و حقائق العرفان فی خلاصة الأصول والميزان.



تشکر و امتنان را دارم.

۲۰. نگرید: فن‌خدا، ج ۲۰، ص ۹۱۴.

۲۱. عبارت شیخ آقا بزرگ چنین است: «(۲۰۲۲: شرح نهج المسترشدين) به عنوان قوله قوله أيضا لبعض الأصحاب وهو تعليقات على الكتاب، أوله: قوله: الحمد لله المنقذ من الحيرة الخ. اعلم أن الحمد هو الفناء على الجميل الاختياري (...). رأيت نسخة في المكتبة الرضوية قد أحال فيه الشارح هذا إلى كتابه (نهاية المرام) وبما أن (نهاية المرام) في علم الكلام من تصانيف آية الله العلامة الحلي [...] استظهرنا أن هذه التعليقات لأية الله العلامة جمال الدين الحسن بن يوسف نفسه دونها بنفسه أو غيره بعده والله العالم». الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۲۲. مقداد سُیوری؛ جمال الدین، ارشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين؛ تحقیق سید مهدی رجایی؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ هجری.

۲۳. الرازی الحبلرودی، خضر؛ التوضیح الأثور بالحجج الواردة لدفع شبه الأعور؛ تحقیق: السید مهدی الرجائی؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۲.



- التحقیق المبین شرح مزجی مبسوطی بر نهج المسترشدين است و کتابت آن درسی ذی‌قعه سال ۸۲۸ هجری قمری پایان یافته است. این شرح تاکنون به چاپ نرسیده، اما سه نسخه خطی از آن در دسترس است:<sup>۲۴</sup>
۱. نسخه شماره ۳۷۲ کتابخانه آستان قدس رضوی که در سال ۱۰۴۵ هجری قمری کتابت شده است.
  ۲. دست‌نوشته شماره ۶۱۱۱ کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی که تاریخ کتابت آن سال ۱۱۰۵ هجری قمری است.
  ۳. نسخه شماره ۱۲۷۱ کتابخانه مدرسه سپهسالار به تاریخ کتابت ۱۲۵۶ هجری.
  ۷. کشف أحوال الدین فی شرح نهج المسترشدين اثر شیخ جواد بن سعید بن جواد کاظمی.
- شارح شیخ الإسلام استرآباد و از شاگردان شیخ بهایی بوده و به گفته میرزا عبدالله اصفهانی - که نسخه‌ای از این شرح را مشاهده کرده - این اثر شرح مزجی مبسوط نیکویی بوده است: «و هوش شرح مبسوط ممزوج بالمتن حسن جید جداً». بنا به نقل وی نویسنده این شرح را در ۹ ربیع الأول ۱۰۲۹ هجری قمری در شهر کاظمین به پایان برده است.<sup>۲۵</sup> راقم این سطور در حال حاضر نسخه‌ای از این شرح نمی‌شناسد.
۸. شرح نهج المسترشدين نگاشته شیخ فخرالدین بن محمد علی طریحی (م ۱۰۸۵ ق).<sup>۲۶</sup> در حال حاضر اطلاع بیشتری از این شرح در دسترس نداریم.
  ۹. مناهج الراشدين فی شرح نهج المسترشدين نوشته علی بن ابوالقاسم حسینی عسکری (م قرن ۱۲ هجری). نسخه‌ای از این شرح به شماره ۸۶۱ در مرکز احیاء میراث اسلامی قم موجود است که کتابت آن در ربیع الأول سال ۱۱۳۳ به پایان رسیده است.<sup>۲۷</sup>
  ۱۰. شرح نهج المسترشدين از مولی محمد حسن بن مصطفی خوئینی (م قرن ۱۳ هجری).
- شریحی مزجی بر نهج المسترشدين است که تاکنون به چاپ نرسیده است. نسخه‌ای از این شرح که در ۲۸ ذی‌قعه ۱۲۷۷ کتابت شده است با شماره ۳ / ۱۰۵۹۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. نسخه تا شرح فصل پنجم نهج المسترشدين ادامه پیدا کرده و از آن به بعد افتادگی دارد. در حواشی نسخه حاشیه‌هایی از خود شارح ثبت است.
- به توفیق الهی در شماره‌های بعدی «نگرشی بر نگارش‌های کلامی» در باب شروح مطبوع نهج المسترشدين و همسانی‌ها و دگرسانی‌های آنها سخن خواهیم گفت.

۲۴. نگرید: فنخا، ج ۷، ص ۶۹۹.

۲۵. نگرید: اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۲۶. الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۲۷. نگرید: فنخا، ج ۳۱، ص ۶۸۵.